

چرا نماز می خوانیم

یا

(حکمت و فلسفه نماز)

از:

حضرت مولانا محمد طیب (رحمه الله)

رئیس اسبق دارالعلوم دیوبند

ترجمه:

عبدالغنی شیخ جامی

مدرس مؤرخه علمیة انوار العلوم خیر آباد - تائباد

همراه با:

رسالة آداب نماز

شیخ الاسلام امام محمد غزالی (رحمه الله)

طیب، محمد BP
چرا نماز می خوانیم، یا، (حکمت و فلسفه نماز) از محمد طیب: ترجمه
عبدالغنی شیخ جامی، تربیت جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۵.
۹۴ ص ۱۸۲

ISBN: 964-8688-43-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.
۱. نماز، ۲. نماز، فلسفه الف، شیخ جامی، عبدالغنی، مترجم، ب. عنوان:
حکمت و فلسفه نماز، ج. عنوان.

۲۹۷/۳۵۳



انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

چرا نماز می خوانیم یا (حکمت یا فلسفه نماز)

نام مولف: مولانا محمد طیب (رح)

مترجم: عبدالغنی شیخ جامی

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵

ناشر: شیخ الاسلام احمد جام

چاپ: دقت ۳۴۱۹۵۶۰

شابک: ۹۶۴-۸۶۸۸-۴۳-۵

قیمت: ۹۰۰ تومان

تلفن: ۰۵۲۸-۲۲۲۵۲۳۳۸-۲۲۲۴۴۷۱

فهرست

عنوان صفحه

- ۱- مقدمه ۵
- ۲- فلسفه و دین ۱۴
- ۳- جمادات بدن انسان ۲۷
- ۴- نباتات بدن انسان ۲۸
- ۵- حیوانات بدن انسان ۳۰
- ۶- زلزله و طوفان در بدن انسان ۳۱
- ۷- علویات و فلکیات ۳۳
- ۸- پرتو کمالات خداوند در انسان ۳۶
- ۹- نتیجه مقدمه ۴۴
- ۱۰- عبادت فقط نماز است ۴۶
- ۱۱- جنبه عبادت در نماز ۴۹
- ۱۲- وجوب نماز بر کائنات ۵۰
- ۱۳- نماز نوع بشر ۵۶
- ۱۴- نماز اسلامی جامع نمازهای جهانیان ۵۷
- ۱۵- نماز جامع هیئت ها ۵۸
- ۱۶- نماز جامع اذکار ۵۸

۵۹	۱۷- نماز جامع عبادت اعضاء.....
۶۰	۱۸- نماز جامع اوقات.....
۶۲	۱۹- زیبایی هیئت نماز.....
۶۳	۲۰- ترتیب عقلی در اجزاء نماز.....
۶۵	۲۱- نماز جامع عبادات.....
۷۰	۲۲- نماز و عالم انفس.....
۷۰	۲۳- نماز و تهذیب اخلاق.....
۷۵	۲۴- اهمیت نماز در قرن اول.....
۷۷	۲۵- چگونگی تزکیه نفس بانماز.....
۸۰	۲۶- احوال و مقامات نفس و نماز.....
۸۳	۲۷- نماز و اجتماعیت.....
۸۸	۲۸- نماز و زندگانی اجتماعی.....
۹۳	۲۹- استخراج اصول اجتماعیات از نماز.....
۹۳	۳۰- ترک خلوت.....
۹۶	۳۱- قطع انفرادیت.....
۱۰۰	۳۲- معیار اجتماعیت در نماز جماعت.....
۱۰۴	۳۳- اجتماعیت و نوع و معیار آن.....
۱۰۸	۳۴- نماز و مرکزیت.....
۱۳۳	۳۵- نماز و مشابهت آن باجهاد.....
۱۷۶	۳۶- آداب نماز از امام محمد غزالی.....



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

چرا نماز می خوانیم؟

عنوان فوق سؤالی است که در ذهن بسیاری از افراد به وجود می آید. چرا نماز می خوانیم؟ فلسفه این همه نماز خواندن چیست؟ تاچه زمانی باید نماز خواند؟

بدون شک این چنین سؤالاتی از ناحیه شیطان به ذهن انسان بروز می کند و چون انسان در صدد جواب آن بر می آید، شیطان با وسوسه های گوناگون فکرش را منحرف نموده و فرصت فکر کردن را از او می گیرد.

گر چه کتاب حاضر پاسخ مفصلی بر اینگونه شکوک و شبهات است ولی آنچه به ذهن حقیر می رسد این است که سؤال مذکور دارای دو جواب است: نخست تحقیقی و دیگری الزامی است.

جواب تحقیقی آن است که مسلمان مامور عمل است و مسئول دانستن تمام حکمت‌های مشروعه نیست. چون عقل قاصرتر از آن است که فلسفه تمام احکام را دقیقاً درک کند. زیرا فلاسفه معتقدند تا فلسفه هر حکمی از احکام شرع را

ندانیم، بدان عمل نمی کنیم. با وجودی که عقل ما فلسفه بسیاری از احکام شرع را نمی داند. بنا براین اگر ما جهت انجام هر حکم الهی به دنبال فلسفه و حکمت آن باشیم، فلسفی خواهیم بود و اسلام (همچنانکه از ماده اش هویدا است) به معنای انقیاد و فرمانبرداری است و یا به عبارت دیگر، هر حکم خدا را بدون دلیل قبول داشتن است. همچنان که حضرت ابراهیم علیه السلام حکم ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام را در خواب می بیند بدون سؤال از حکمت و فلسفه آن، برای اجرای آن اقدام می نماید و وقتی که این حکم را به طفل نه ساله اش (حضرت اسماعیل) می گوید او نیز بدون اینکه جوای فلسفه و حکمت آن باشد بی محابا خطاب به پدر می گوید یا ابت افعل ما تؤمر «ای پدر بدانچه مامور گردیدی عمل کن».

گرچه شریعت مطهر اسلام با دانستن فلسفه احکام شرع، مخالفتی ندارد ولی مبنای عمل به احکام شرع را منوط به دانستن فلسفه آنها صحیح نمی داند و روی همین اصل است که عقل انسان از دانستن فلسفه احکام قاصر است. خداوند جل جلاله پیامبران - علیهم السلام - را فرستاد تا مردم را از این سر درگمی نجات داده و بدانچه مورد نظر اسلام است رهنمون فرماید.

و جواب الزامی آن است که قرآن با متانت زیادی می فرماید:

و ان تعدوا نعمت الله لاتحصوها ' «اگر نعمتهای خدا را بشمارید نخواهید

توانست.»

و در حدیثی آمده است:

من عرف نفسه فقد عرف ربه^۱

«کسی که خود را شناخت پروردگارش را نیز شناخته است.»

از مجموعه این گونه آیات و احادیث چنین بر می آید:

ای انسان! تا زمانی که از نعمت چشم، عقل، زبان، گوش، دست، پا، بویایی، تفکر، خوردن و آشامیدن، نفس کشیدن، جوانی، قدرت، ثروت، استفاده از انواع نعمتها و سلامتی از هزاران نوع بیماری و پیشرفتهای مختلفی که به آنها دسترسی داری باید به شکرانه این همه نعمت‌ها نماز بخوانی. بلکه بالاتر از همه آنها آن است که خداوند در جاهای متعددی انسان را به عنوان خلیفه خود معرفی نموده است. «انی جاعل فی الارض خلیفه»^۲ و...

و روی همین دلیل فرشتگان (که نخستین شاگردان دبستان آدمند) متحیرند این چه موجودی است که اینهمه مورد تایید خداوند قرار گرفته تا جایی که از نعمت خلافت نیز بهره مند گردیده است.

به هر حال، نماز گر چه یک لفظ کوچکی است اما بهترین وسیله برای اصلاح شخصیت انسان و وسیله سرگوشی و نجوی با خداست و موضوع تکراری نیست بلکه نردبان ترقی می‌باشد و خداوند ﷻ آنها را برای پیشرفت همگان و رسیدن به خود قرار داده است و این یک اتوبان همگانی است که تمام جهانیان از هر قشر و هر زبان، می‌توانند از آن بهره گرفته و خود را به خدایشان برسانند. لذا عبادات خود را خالصانه به درگاه باری تعالی تقدیم نمایم

۱- کشف الظنون ج ۲

۲- من در روی زمین خلیفه ای بر می‌گزینم. بقره ۳۰

و مبنای عمل کردن به احکام را منوط به فلسفه آنها نکنیم زیرا در روز قیامت این گونه موارد هرگز از ما سوال نخواهد شد.

اما متأسفانه وقتی ما انسانها نماز را شروع می کنیم، ذهن ما موارد زیادی از سپرده های خود را مورد بررسی قرار می دهد.

مثل پرگاریم یک پا در شریعت مستقیم

پای دیگر سیر هفتاد و دو ملت می کند

و حیثیت نمازهای ما همانند این مثال مشهور خواهد بود که پای ملخ نزد سلیمان بردن است.

و وقتی که روی ذهنیت ما در نماز عوض شود. یقیناً نماز نیز اثرات مطلوب را از خود به جای نمی گذارد و روی همین مبنا است که ما (امت مسلمة) فرهنگ اسلامی خود را فرسوده و عقب افتاده و فرهنگ بیگانگان را پیشرفته می دانیم و دلباخته فرهنگ آنان می شویم. در حالی که قرآن با صراحت اعلان می کند «لا ترکونوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار» (هود ۱۱۳)

«به ظالمان متمایل نشوید که مستحق آتش جهنم می شوید».

ولی بدانید که ذات غیور خداوند ﷻ هرگز نمی پسندد که این دین و پیام آوران آن - که تاج خیر امت بر سر شان نهاده است - همانند یتیمان دست به طرف سفره اغیار دراز کنند، بلکه فرهنگ شان را به قدری غنی گردانیده است که هیچ نیازی به فرهنگ بیگانگان نخواهند داشت اما افسوس که توده امت امروزه شکار همین دام گردیده و فریفته فرهنگ اغیار شده اند.

کتابی که در دست دارید بیانگر حقیقت، حکمت، اسرار و رموز و فوائد دینی نماز با اسلوب بسیار زیبایی می باشد و خواننده از مطالعه آن درک خواهد نمود که این عبادت از بین عبادات دیگر از چه جایگاهی برخوردار است و چقدر باید به آن اهمیت قائل شد. و جواب تفصیلی آنها را از رد پای قلم نویسنده و فیلسوف شهر جهان اسلام، رئیس دارالعلوم دیوبند حضرت مولانا محمد طیب (رحمه الله) جویا شوید.

ایشان از جمله علمای ممتاز شبه قاره هند می باشند که خدمات ایشان زبانزد خاص و عام است وی فرزند مولانا حافظ محمد احمد نواده استاذالعلماء حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی بنیانگذار دارالعلوم دیوبند و سلسله نسبشان به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه می رسد. ایشان در سال ۱۳۱۵ در دیوبند دیده به جهان گشود و در سنین هفت سالگی به دارالعلوم دیوبند از محضر حضرت شیخ الهند و حضرت مولانا محمودالحسن و حضرت مولانا مفتی عزیزالرحمن و پدر بزرگوارشان کسب فیض نمودند و در سال ۱۳۳۷ همراه با کلاسهای متداوله فارسی و حفظ قرآن از دروس حوزوی فارغ التحصیل شدند و از شخصیت‌های بلند پایه دیگری که کسب فیض نمودند از جمله می توان حضرت مولانا انورشاه کشمیری و حضرت مولانا خلیل احمد سهارنپوری و حضرت شیخ الهند مولانا محمود الحسن و حکیم الامت مولانا اشرف علی تھانوی و علامه شبیراحمد عثمانی (رحمهم الله) را نام برد و ایشان با مفتی اعظم پاکستان حضرت مولانا مفتی محمد شفیع و حضرت مولانا محمد ادریس کاندھلوی هم‌دوره بودند.



وی که از ذهن و ذکاوت خاصی برخوردار بود بلافاصله بعد از فراغت به منصب تدریس فایز گردیدند و چون به فن سخنرانی تبحر خاصی داشتند حضرت علامه انورشاه کشمیری و مولانا شبیراحمد عثمانی هنگام مسافرت او را همراه خود می بردند. و در هنگام تدریس به امور اداری و غیره شرکت می جستند. ولی بعد از اینکه مدیر حوزه حضرت مولانا محمد عثمان (رح) در سال ۱۳۴۸ وفات نمودند مجلس شوری دارالعلوم طی جلسه ای در هیجدهم شوال سال ۱۳۸۴ حضرت مولانا محمد طیب را بعنوان مدیر دارالعلوم برگزید از جمله تغییراتی که در زمان تصدی پست مدیریت بوجود آوردند توسعه مسجد دارالعلوم بود و ساختمان دارالحديث را که مدتها در دست ساخت بود در سال ۱۳۴۹ تکمیل نمودند، حفظ عم جزء را برای کلیه فارغ التحصیلان الزامی نمود و در غیر این صورت مدرک پایان تحصیلی به آنها داده نمی شد و برای توزیع غذای طلبه کارتهایی با دو رنگ مختلف تهیه نمود که یکی مخصوص نهار و دیگری مخصوص شام بود این امر باعث شد که آمار دقیق طلاب بدست آید و غذا بخوبی تقسیم گردد همچنین به علت کمبود فضای آموزشی و خوابگاهی اقدام به ساخت و ساز نمود ایشان رابطه تنگاتنگی بین دارالعلوم دیوبند و دانشگاه علی گره برقرار نمودند و در جلسه ای که از طرف انجمن تاریخ و تمدن اسلامی در دانشگاه برگزار گردید سخنرانی بسیار مؤثری ایراد فرمودند^۱

۱- غالباً کتاب فلسفه گزینش انسان بعنوان موجود برتر، که بنده آنرا ترجمه و منتشر نمودم

در نتیجه شکوک و شبهات بسیاری از دانشگاہیان بر طرف گردیده و رابطه آنان با حوزه بهتر شد.

ماہنامہ «القاسم» که یازده سال خدمات ارزنده ای برای اسلام و مسلمین انجام داده بود و بنا بر عللی متوقف گردیده بود ایشان در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحت عنوان «ماہنامہ دارالعلوم» براه انداختند برای پرسنل حوزه حقوق باز نشستگی بتصویب رساند و یکی دیگر از کارهای مهمشان جمع آوری تمام فتاوی به ترتیب ابواب فقهی بود که این مسئولیت را بدوش مولانا ظفرالدین نهادند و در نتیجه مجموعه این فتاوی در نه جلد ضخیم بطبع رسید.

ایشان بعد از وفات شیخ شان حضرت شیخ الہند جهت تکمیل مراحل سلوک با حکیم الامت حضرت مولانا اشرفعلی تھانوی بیعت نموده و در سال ۱۳۵۰ به خلعت خلافت مشرف گردیدند. ایشان حدود بیست یا بیست و دو سال بعد از عصر هر جمعہ در دارالعلوم دیوبند برای مریدان و عموم مردم بیانات اصلاحی داشتند و سخنرانی هایشان توسط حضرت مولانا محمد ادریس ہوشیارپوری تحت عنوان خطبات حکیم الاسلام در یازده جلد چاپ شدہ است و ایشان تالیفات دیگری نیز داشتند کہ این مقدمہ گنجایش آنرا ندارد. ایشان دارای چہرہ گشادہ و نورانی بودہ و از تمام اوصاف حسنہ برخوردار بودند و سرانجام بنا بر مرضی شدیدی کہ دامنگیرشان بود جهت معالجہ بہ بیمارستان دہلی انتقال یافتند و در سال ۱۴۰۳ در سن ہشتاد و ہشت سالگی در ہمانجا وفات یافتند و نماز جنازہ ایشان طبق وصیت وی بہ امامت پسر بزرگشان حضرت مولانا محمد سالم برگزار شد و در پهلوی جد امجدشان حضرت



مولانا محمد قاسم نانوتوی (رحمه الله) بخاک سپرده شد بعد از وفات بحمدالله این خلا توسط سه پسرشان بنامهای مولانا محمد سالم و مولانا محمد اسلم و مولانا محمد اعظم قاسمی پر گردید، روحش شاد و راهش پر رهرو باد^۱ در پایان لازم می دانم از برادران محترم جناب مولانا محمود سروری، شمس الله عرب، محمد سعید خواجه کریمی و مجتبی خواجه کریمی که در تصحیح و ویرایش این مجموعه با بنده همکاری لازم را نمودند تقدیر و تشکر نمایم.

امید وارم خداوند به همه ما توفیق عمل و خدمت صادقانه به دین را عنایت بفرماید. آمین ثم آمین.

عبدالغنی شیخ جامی عفی عنه

خراسان - تایباد

حوزه علمیة انوار العلوم

خیر آباد